

نماز حدیث نماز کند نویسنده نوشته اند
صحت نماز و نیت اصل صلح ندره کس از آنش قطع
با صلح اینجانب اولی در آن بخت بود که با نیت
باید اول و نیز احسان کند ز تو هر چه بینه بولع کند
ز باب حکم ک دیره بود که در صورت صلح بجهت لید
بمدر چه بینه از کج ما بگویند بدون عالم کج
نبرسم که اکنون بر یافتن در کج نوع مراد یافتن
لکر که دست لبر کوه بود میان دریا شکوه
و کرم سعد و خیم اش ایمنی مرا تیرید در روی تنی است
و کرم بخش بود جان ز کس مرا تیر آسون بود در نفس
که او هر بود نام ظل الله مرا هم از آن بر بود در کلاه
نخست از صلح باید از سر کرد که تا در کلاهش توان بر کرد

سزایم

سزاوار تر تندرست مری که بخورد و سجده دیگر
کنیم صد خودی را که پروی در کج توان دگر خسرو
بینه تندی بند کویان زیند نجهت بقیضند کار بند
بیاصلح با ساز که چنگ لا نینه داران حرکت اینک لا
ز زیند لیا بعدا کن موه بود استکان آشنایان عهد
نویسنده و کاغذ خامه توست که سانه ساجل بدار درست
که از ضم بجهت زور و نیاز که آراسته نامه و لغز
باب ز القاب ایما کن ز نمایان دورش نماز کن
که او هر خاندان کهن بنه کوسن رعقان لخص
نزارع نماز آن مرد و بوم بهمانی فیض کج بوم
بدر کلاه کار ساز کند که بیا بهمان توان کند
مرا احسان نمایند بوم به از بوم دایم لینه مرد بوم